

از کتاب «صفحاتی از زندگی علامه استاد هاشم شایق افندی»، تألیف  
اکادمیسین شرعی جوزجانی که در آستانه نشر قرار دارد.



علامه استاد هاشم شایق افندی مؤسس و گرداننده  
نخستین مجله علمی و ادبی در افغانستان

**به مناسبت صدمین سال نشر**

## «آئینه عرفان»

### نخستین مجله علمی، ادبی و اجتماعی در کشور

یکی از کارهای مهم و تاریخی شاد روان استاد هاشم شایق افندی در عرصه نشر دانش و فرهنگ در افغانستان تأسیس و نشر مجله وزین «آئینه عرفان» بود.

این مجله در ماه جوزای سال 1303 یعنی 100 سال قبل از امروز در دارالسلطنه کابل توسط مطبعه سنگی وزارت معارف وقت، با خط نستعلیق به نشر آغاز کرده است.

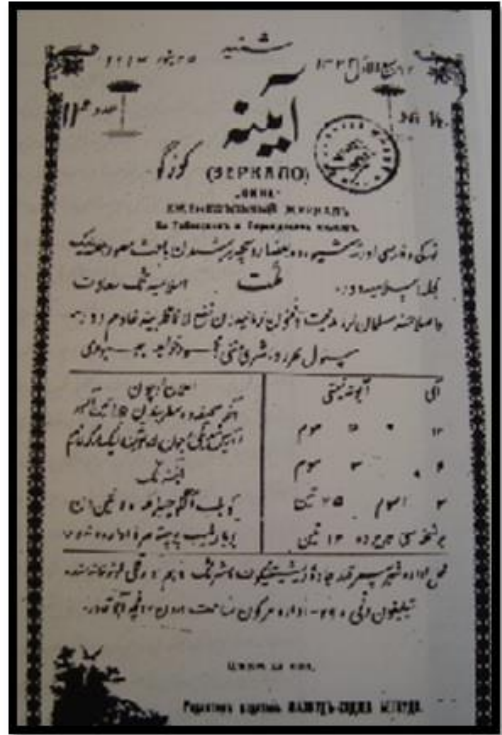
در پشتی شماره اول جلد یکم آن زیر لوگوی (کتاب، دوات و قلم)، با عبارات (مجموعه تاریخی، علمی، ادبی، اجتماعی، اخلاقی، تربیوی آئینه عرفان) موضوعات و اهداف نشریه افاده شده و با جملات زیر (باحث از مساعی علمی و انکشافات مدنی است که بهمدستی هیئت تحریریه اعضای دار التالیف وزارت معارف در هر ماه یکبار نشر میشود) روی آن روشنی انداخته شده است.

آئینه عرفان نخستین مجله علمی، ادبی و اجتماعی بعد از حصول استقلال در افغانستان بود که عرصه های مختلف دانش و فرهنگ صدسال قبل را دربر میگرفت و دریچه ای بود که راه آشنایی مردم و بخصوص جوانان را با علوم معاصر و فلسفه غرب میگشود.

بدون تردید هاشم شایق افندی بعد از آن که در زمان امانیه به صفت مسئول ریاست دارالتالیف در وزارت معارف تعیین میگردد، این مجله را با الهام از مجله علمی- ادبی «آئینه» (کوزگو) که هاشم شایق یکی از اشتراک کنندگان فعال آن بود، اساسگذاری کرده است. مجله مذکور که در دهه قرن بیستم توسط مفتی محمود خواجه بهبودی یکی از رهبران «جدیدها» به زبان تورکی و بعضاً به زبانهای روسی و فارسی در سمرقند نشر میشد و در سراسر تورکستان پخش می گردید، یکی از نشریه های مهم جنبش جدیدها بود، در یکی از صفحات آن به انتقاد هاشم شایق بخارایی پاسخ گفته شده و در برابر پولی که او فرستاده کتاب فرستاده شده است.



مجله «آینة عرفان»



مجله «آینة» نشر سمرقند

فهرست شماره اول مجله «آینة عرفان» چنین است:

- |                           |                         |
|---------------------------|-------------------------|
| هاشم شایق                 | افاده مرام              |
|                           | اخلاقیات:               |
| - فیض محمد خان وزیر معارف | - مکارم اخلاق           |
| ملا فیض محمد              | - علم                   |
| فیض محمد خان وزیر         | - مصاحبه                |
| هاشم شایق                 | - حس و حرکت             |
|                           | ادبیات:                 |
| عبدالرسول خان             | - بهاریه منظوم          |
| قاری عبدالله              | - اسلوب تازه و سبک قدیم |
| قاری عبدالله              | - وطن منظوم             |
|                           | تاریخ:                  |

-اقتصاد یا وقایع تاریخی مشرق زمین فیض محمد خان وزیر.

-مساعی علمی هاشم شایق

متفرقه:

مجالبت انظار دار التالیف

-مژده اداره

### افاده مرام:

هاشم شایق در نخستین سرمقاله مجله تحت عنوان «افاده مرام» ضمن اشاره به کتب و نشریه های متعددی که از آغاز عصر امانی تا آن وقت در موضوعات مختلف نوشته شده، تأکید میکند که «معرفت و استعدادها در مسیر نو افتاده، افکار عصری و تجدد پرورانه بیش از پیش فزونی یافته است». چون او از جمله کدرهای دانشمند جنبش جدیدها است، درین نشریه نیز میخواهد اهداف فرهنگی آنها را با کلمات «تجدد پرورانه» افاده کند و در سایر نوشته های خود نیز کلمات «جدید و تجدد» را زیاد به کار میبرد.

استاد شایق که اهمیت این نشریه را میداند یادآور میشود که «بعد ازین روز مطبوعات حسود و حقوقشناسان خارج، زمزمه اعتراف خوانده، قصیده افسرده خود را به وزن جدید ملت تطبیق داده، با صدای زنده باد و شادباش، افغانستان جوان را از جمله اقوام پزمرده بیرون کشیده به (بعث بعدالموت) آن ایمان خواهند آورد».

سپس او همین مجموعه علمی، ادبی، تاریخی، اجتماعی، اخلاقی، تربیوی و اقتصادی «آینه عرفان» را به صفت یکی از دست آوردهای ملت با استعداد شمرده، دگرگونیهای روزافزون آنرا با آیت «کل یوم هو فی شأن» افاده می نماید.

هاشم شایق که در ذیل مقاله امضای خود را گذاشته، یادآور میشود اگر این مجموعه علمی موجب رضای خاطر علاقمندان دانش و معرفت چه در مدارس و چه در خارج از آن گردد، هیئت تحریر دارالتالیف با این خدمت خیرخواهانه وطنی خود مفتخر خواهد گردید.

از شماره های سه جلد مجله که توسط «کتابخانه دیزیتال افغانستان» نشر شده برمیآید که در هیئت تحریر از جمله اشخاص ذیل اشتراک داشته اند: صلاح الدین (در شماره های بعدی صلاح الدین سلجوقی)، قاری عبدالله (بعدا ملک الشعرا)، ملا فیض محمد، فیض محمد مغول، عبد الرسول خان، مترجم توانا عبدالجبار خان مدیرپوسته و تلگراف که به مناسبت ترجمه ده جلد اثر از لسان خارجی از طرف وزارت معارف با اعطای نشان سینه از وی تقدیر به عمل آمده بود، قاضی عبدالحق و برخی دیگر چون غلام محی الدین و شریف مخلص زاده از شعرا و نویسندگان آن زمان.

«مخلص زاده» و «شریف مخلص زاده» نام مستعار هاشم شایق افندی بوده که بعضا با این نام داستانها و سایر مقالات خود را نشر میکرده است.

مجله، مورد علاقمندی شخص وزیر معارف وقت فیض محمدخان زکریا که خود اهل قلم و شاعر بوده قرار داشته است. چنانچه در شماره اول مجله سه مضمون تحت عناوین «مکارم اخلاق»، «مصاحبه وزیر معارف» و «اقتصاد یا وقایع تاریخی مشرق زمین» با نام او نشر شده است.

هاشم شایق افندی که تحصیلات عالی را در رشته های پداگوژی، تاریخ و روانشناسی در موسسات عالی تعلیمی تورکیه به سر رسانده و یگانه متخصص تعلیم و تربیه در افغانستان بود، تا آخرین روزهای حیات درین عرصه ها مصروف تعلیم و تربیه نسل جوان کشور در دانشکده ها و لیسه ها اعم از ذکور و اناث بود. او به صفت یکی از کدرهای دانشمند جنبش جدیدها پس از تشکیل دولت مستقل بخارا توسط جدیدها به حیث وزیر خارجه و سرپرست وزارت معارف تعیین گردید و بعد از آن که دولت نوبنیاد جدیدها از طرف دولت امیر امان الله خان به رسمیت شناخته شد، به صفت سفیر کبیر و وزیر مختار دولت بخارا به کابل فرستاده شد و مورد استقبال گرم ارباب دولت قرار گرفت. بعد از

آن که دولت بخارا از طرف قشون سرخ شوروی برانداخته شد و قلعه تاریخی بخارا بمبارد گردید، از وظیفه سفارت استعفا داد و خواست به تورکیه برود. اما بنا به خواهش امان الله خان در افغانستان ماند و با وساطت امیر با نواسه کاکای امان الله سردار نصرالله و دختر سردار عزیزالله قتیل رابعه ضیایی ازدواج کرد.

هاشم شایق افندی مدت 30 سال به صفت مشاور وزیر معارف و رئیس دارالتألیف این وزارت و استاد پداگوژی، روانشناسی، ادبیات و تاریخ در فاکولته های ادبیات و لیسه های عالی به تربیه کدرهای علمی برجسته اشتغال ورزید و شاگردان ممتاز زیادی را به ثمر رسانید. چنانچه اکثر شاگردانش به درجات عالی دوکتوری و پروفیسوری رسیدند و در ارگانهای عالی دولتی کارکردند.

او در سال 1303 به صفت مسئول دارالتألیف با اساسگذاری مجله علمی و ادبی «آیینۀ عرفان» در وازه دانش و معرفت را بر روی روشنفکران جوان افغانستان بازکرد. این نشریه که از لحاظ موضوعات علمی و ادبی خود در کشور بی سابقه بود، صد سال پیش از امروزه مثابه دریچه ای بود که نسل جوان بالنده مملکت میتوانستند از آن به دست آوردهای دانش و فرهنگ کشورهای غرب آشنا شوند. اگر لیست مضامین مجله را از نظر بگذرانید، میتوانید مقالات متعدد ارزنده در عرصه های مختلف دانش و فرهنگ معاصر از قبیل فلسفه، تعلیم و تربیه نوین، مکتبهای ادبی و نمایندگان برجسته آن و آثارشانرا در آن بخوانید.

هاشم شایق افندی که رهبر هیئت تحریرمجله و مسئول تألیف و نشر کتب درسی مکاتب بود، خود نوشتن اکثر مقالات علمی، ادبی، تربیوی، روان شناسی و بعضا نوشتن راپرتاژها، مصاحبه ها و داستانهای کوتاه را بدوش داشت و در طی 10 سالی که مجله زیر نظر او به نشر میرسید، هر سال به کمیت و کیفیت ان افزوده میشد.

چون ترویج اصول تعلیم و تربیه نوین یکی از اهداف اساسی مجله را تشکیل میداد، مقالات اساسی مربوط به این موضوع و روانشناسی غالبا توسط خود هاشم شایق نوشته میشد.

در نشریه به مقام زنان و تربیه آنان نیز اعتبار داده شده، چنانچه نوشته میشود که «اداره آئینه عرفان برای تعلیم و تربیه نسوان ستونهای مخصوصی دارد». شاید برای اولین بار در افغانستان نطق یک زن به نام زبیده خانم که در موسسه مستورات ایراد شده، در شماره دوم اقبال نشر می یابد.

در مقدمه رمان «بنات النعش» که توسط عبدالجبار ترجمه شده جایگاه زن چنین ارزیابی میگردد: نسوان! بلی نسوان است که تا امروز حیات بشر موقوف وجود و شفقت اوست... در بی اعتنایی به تعلیم و تعلیم این زمره پسمانده است که حیات بشر ناقص شده میرود. مقاله ای با عنوان «زن و عفت» نیز به اقتباس فیض محمد مغول نشر شده است.

مقالات ابتکاری هاشم شایق افندی در مجله آئینه عرفان نیز قابل توجه است. او تحت عنوان «سیاحت در دار التالیف - یک نظر عمومی در تمدن و معارف»، با ژورنالیستی جهانگرد و دانشمند که از کشور فرانسه آمده است، طی دو ساعت مصاحبه به سوالات او پیرامون پیشرفت و انکشاف در عرصه های مختلف در کشور به خصوص تعلیم و تربیه و اصول تربیه نوین به سوالات او که بعضا به مناظره علمی تبدیل میشود، پاسخهای قناعت بخش میدهد. در نخستین سوال او در باره وظایف دار التالیف میگوید: «مسافر عزیز! وظیفه دار التالیف عجالتا عبارت از تالیف و تدوین کتب علمیه و فنیه است که در صنوف مختلفه مکاتب خوانده میشود».

در جواب سیاح که از فعالیت های دار التالیف میپرسد میگوید: تقریبا همین سه سال که که بنده فعلا از کارهای دار التالیف وزارت جلیله معارف مسبوق و با اداره این کارخانه علوم مصروفم، تقریبا یک صد جلد کتاب که ربع متعلق آن به مکتبهای ابتدایی و سه ربع آن داخل نصاب مکاتب رشديه و دارالمعلمین و خارج مکتب میباشد، تالیف و ترجمه شده است.

ازین رقم میتوان به وسعت کار استاد درتهیه و نشر کتب مورد ضرورت معارف و خارج از آن پی برد.

استاد شایق افندی حامی سرسخت اندیشهٔ سیاسی جنبش جدیدها در تورکستان بود. جدیدها میخواستند با تأسیس مکاتب جدید و تجدید نظر بر اسلوب تعلیم و تربیهٔ قدیم، علوم جدید و اصول نوین پداگوژی را در مکاتب تعمیم بدهند و ازین طریق با استفاده از ارزشهای اسلامی سطح آگاهی جامعه را ارتقا بخشند و با تقویهٔ شعور ملی مردم، آنها را در جهت مبارزهٔ سیاسی به خاطر آزادی تورکستان از استعمار روسیهٔ تزاری آماده بسازند. در صف جدیدها دانشمندان و سیاستمداران بزرگی چون ذکی ولیدی توغان، منور قاری، عبدالله اولانی و مفتی محمود خواجه بهبودی، نویسندگان بنامی چون عبدالله قادری مولف نخستین رومان در زبان اوزبیکی و شاعران انقلابی پرشوری چون چولپان و مبارزان نستوهی چون عبدروف فطرت، حمزه حکیمزاده و ده ها تن دیگر وجود داشت که همه به اتهام واهی خیانت به وطن به دستورستالین توسط بولشویکها در سالهای 1937-1938 (سالهای قتل) به قتل رسیدند.

در شماره های پنجم و ششم مجلهٔ «آینهٔ عرفان» این مقالات تحت عناوین عمومی گوناگون چون اجتماعیات، اخلاقیات، ادبیات، دینیات و حکایه و متفرقات نشر شده است:

خدايا اين چه غوغاست؟	اثر غلام محی الدین
قلم چه میگوید؟	به قلم صلاح الدین
زن و عفت (مقتبس)	از فیض محمد مغول
زمستان	از قاری عبدالله.
انسان و دیانت،	قاضی عبدالحق
فلسفه و تربیات: سقراط، فلسفه، تربیه	از هاشم شایق
مثلا (حکایه)	از شریف مخلص زاده
بنات النعش	(ناول) مترجم عبدالجبار

در صفحهٔ 131 آخر مجله، غلطنامهٔ مقالات از طرف اداره داده شده است



---

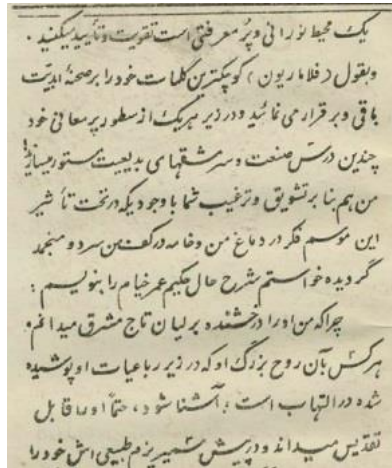
جایگاه علمی و ادبی شایق افندی از نگاه همکاران علمی مجله یکی از همکاران دایمی مجله بنام «سرور» طی یادداشتی که زیر عنوان «ادیب محترم آئینه عرفان» عنوانی استاد هاشم شایق افندی نوشته و در شماره یک بر 12 مجله نشر شده، ضمن ارزیابی مقام والای استاد، به شباهت او با سعدی و ویکتور هوگو اشاره کرده یادآور میشود که بر اساس توصیه شان پیرامون زندگی و آثار شاعر شهیر عمر خیام تحقیقاتی انجام داده و به حضور استاد تقدیم داشته است. ماچند پاراگراف ازین نامه که بیانگر اخلاص و اعتقاد ادبای وقت به استاد شایق افندی میباشد، درینجا نقل میکنیم:

«ادیب محترم آئینه عرفان!

«من به فکر پاک و نیات بی آلایش به مقام ارجمند شما سلام میکنم. چرا، شما هستید که کلمات خود را مانند (سعدی) و (ویکتور هوگو) به مثابه صدای آسمانی در جامعه تنگ و محدود ما با حمیت پراکنده ساخته بگوش تمام ذرات این محیط میرسانید. گل کاریهایی که بر صفحات آئینه عرفان و دیگر نشریات دارالتألیف نموده اید، مرا و هموطنان مرا به تقدیم سلام وادار میکند.

در یکی از آثار ادبی چندی قبل دیده ام: «فلاماریون» معروف در یکی از شهکارهای خودش موسوم به «لومن یا لودمن» (در متن هردو شکل خوانده میشود.ش) تصریحاتی دارد که: «در پرتوروشنایی و نورکوچکترین حرکات و مختصرترین کلمات انسان منقوش و مرتسم و در صحنه ابدیت باقی و برقرار میماند». آیا شما نیستید که سایه مختصر روشنایی این عصر که اعلیحضرت متجدد ما (مراد امان الله خان است) افکار غرب را باشرق ممزوج کرده به در و دیوار کابل تابش میدهید؛ بحثهای فلسفی و مصاحبه های اخلاقی و ادبی که شایسته یک محیط نورانی و پر معرفتی است تقویت و تأیید میکنید و به قول فلاماریون کوچکترین کلمات خود را بر صحنه ابدیت باقید و برقرار مینمایید و در زیر هریک از سطور پرمعانی خودچندین درس صنعت و سرمشقهای بدیعیست مستور میسازید. من هم بنابر تشویق و ترغیب شما

با وجودیکه در تحت تأثیر این موسم فکر در دماغ من و خامه در کف من سرد و منجمد گردیده خواستم شرح حال حکیم عمر خیام را بنویسم».



صفحه ای از مجله

نویسنده خیام را درخشنده برلیان تاج مشرق میدانند بعداً تذکر میدهد که من حالات و سوانح حیاتی او را تتبع و جستجو نموده، از روی اسناد تاریخی و تذکرات مولفین شرق و غرب هر قدر که راجع به این شخص بزرگ دیدم و شنیدم جمع نموده به پیشگاه شما تقدیم نمودم و می افزاید: آقای شایق از مقام غبط انگیز شما امید وارم که در پاورقی آئینه عرفان خود آنرا مرتباً درج نمایید. در خاتمه به قلم پاک و فکر بی آرایش تان احترام میکنم».

### سرور

این مقاله ارزشمند تحقیقی در باره احوال و آثار عمر خیام که با استفاده از منابع شرق و غرب به قلم سرور نوشته شده، طور پیهم در چند شماره مجله نشر شده است.

در شماره های مجله مقالات زیاد علمی گوناگون به قلم اعضای دارالتألیف و بعضاً ترجمه از منابع خارجی در موضوعات مختلف به نشر رسیده، اما اکثر مقالات مربوط به فلسفه، تعلیم و تربیه، روانشناسی، تاریخ و نظریه های ادبی، راپورتاژها و برخی داستانهای کوتاه توسط هاشم شایق نوشته و یا ترجمه شده است.

در سه جلد اول غیر از آنچه قبلاً ذکر شد، مقالات ذیل قابل یادآوری است:

- دین از صلاح الدین سلجوقی؛
  - تدریج کمال (تربیت و شرط حصول علم) - فیض محمد مغول؛
  - نتیجه تحصیل - داستانگونه - از مخلص زاده؛
  - ترقی تعلیم در مصر - ترجمه؛
  - اختلال بین المللی منجر به حرب عظیم میشود، چرا دول حاضره میجنگند؟ - ترجمه سلجوقی؛
  - سقراط، فلسفه و تربیه - از هاشم شایق؛
  - دیروز - هاشم شایق؛
  - روحيات و اخلاق (حس، فکر و اراده) - هاشم شایق؛
  - اصول تعلیل و استقراء هاشم شایق؛
  - سیاحت در کتاب - ترجمه سلجوقی؛
  - عدالت الهی - محمد علی؛
- در مقاله سیاحت کتاب که توسط سلجوقی ترجمه شده است، مؤلف میگوید: عجیبترین چیزی را که از نفس خود میشناسم این است که من جمال را در عالم خیال بیشتر دوست دارم، از اینکه در عالم حقیقت ببینم، وصف ریاض و ریاحین از این که آنها را ببینم، بیشتر مرا مسرور میکند. او در جریان سیاحت به منزل لامارتین شاعر معروف فرانسوی میرود و می بیند که او از تنهایی با سگ خود گفتگو و درد دل دارد. سپس به منزل الفرید دوموسیه شاعر فرانسوی میرود و او را در حالت دشوار اندوهگین و در ناله و فغان از بیوفایی معشوقه اش جورج ساند می یابد، گویی میخواهد با قصیده تراژدی درد انگیز خود ماحول خود را آتش بزند. آنگاه میخواهد به دیدن شاعر شهیر فرانسوی پیر کورنی برود. در راه با مرد عجیبی مواجه میشود. او که با کفشهای کهنه و پاره راه میرود، دقت بیننده را جلب میکند و او را تعقیب مینماید. شخص

نزدیک دکان پینه دوز استاده شده آمدن پینه دوز را انتظار میکشد تا کفشهایش را که نوک انگشتانش چون سر مار از آن بیرون آمده ترمیم نماید. رهگذران به او میگویند که این شخص همان پیرکورنی شاعر شهیر فرانسه است که در فقر زندگی میکند.

نویسنده از دیدن احوال رقتبار لامارتین، دوموسیه و کورنی با این وضع رقتبار سخت غمگین میشود و به حال جامعه ای که این شخصیت‌های گرانمایه را در کنج عزلت تنها گذاشته اند، اظهار تاسف میکند.

از برج حمل سال 1304 و شماره 11- 12 مجله آینه عرفان در مطبعه شرکت رفیق چاپ شده است.

نتیجه تحصیل داستانگونه از مخلص زاده در شماره 3 و 4 و در شماره 11 و 12 منظومه محمد طاهر متعلم صنف 5 مکتب با عنوان استقلال نشر شده است:

تاشنیدم ندای استقلال      ساختم جان فدای استقلال

کی بود تاب خامه کلک مرا      که نویسد ثنای استقلال

شماره های متعدد آینه به نشر داستانها نیز توجه داشته، چنانچه ترجمه رمان «بنات النعش» و برخی داستانهای کوتاه از شایق افندی با نام مستعار مخلص زاده و داستان کوچک و جالبی از مادو موسیقی شناس فرانسوی با عنوان «سرباز مارسالا» با ترجمه ا. شیوا نشر کرده است.

شایق افندی اولین نویسنده داستان کوتاه:

منوچهر فرادیس نویسنده ای از افغانستان در سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران درباره اولین داستان کوتاه نویس افغانستان نوشته است:

محمد هاشم شایق افندی (۱۲۶۶-۱۳۳۳) با نام مستعار مخلص زاده، در سال ۱۳۱۱ در مجله «آیینۀ عرفان» داستان کوتاهی به نام «پانزده سال قبل» را منتشر کرد که عناصر داستانی آن کاملاً بر اساس ژانر داستان کوتاه بود.

در سال ۱۳۱۱ در مجله آیینۀ عرفان داستان کوتاهی نشر می‌شود به نام «پانزده سال قبل» از نویسندۀ ای با نام مستعار مخلص زاده. مخلص زاده نام مستعار هاشم شایق افندی است که در سال ۱۲۶۶ متولد و در سال ۱۳۳۳ در می‌گذرد.

اکثر کسانی که در این سال‌ها قطعه ادبی یا داستان کوتاه یا داستان بلند نوشته‌اند، اغلب به صورت تفننی بوده است و کار اصلی‌شان روزنامه‌نگاری بوده است. اما در این میان هاشم شایق نام ماندگاری در تاریخ ادبیات داستانی کشور می‌شود. چون او نخستین داستان کوتاه را که عناصر داستانی را در خود دارد، نوشته است.

داستان کوتاه «پانزده سال قبل»، سرگذشت کودکی را بیان می‌کند که به روایت اول شخص نوشته شده است و راوی خاطره رفتن به مسجد و آموزش‌های نخستینش را بیان می‌کند. او در اول از اینکه باید نزد ملای مسجد برود و به اصطلاح سبق‌خوان شود، ناخشنود است اما بعدها علاقمند می‌شود. نثر داستان کوتاه پانزده سال قبل، نثر داستانی است، بقیه عناصر داستانی را نیز در خود دارد. پی‌رنگ خوب، فضاسازی داستانی، شخصیت‌پردازی، همه نشان‌دهنده این است که هاشم شایق به ژانر داستان کوتاه آگاه بوده است و نه پیش از خودش و نه تا سال‌ها پس از نگارش و نشر داستان پانزده سال قبل، چنین اثری با نثر و دیگر عناصر داستانی نوشته نمی‌شود. هاشم شایق همان‌گونه که گفتیم، بیشتر روزنامه‌نگار است اما از او داستان کوتاه پانزده سال قبل، داستان کوتاه «بیست و سوم میزان» و داستان ناتمام «خیال» را می‌نویسد که امروز از او به عنوان نخستین داستان کوتاه‌نویس کشور نام برده می‌شود. گرچه پس از آن سه داستان کوتاه، دیگر اثری داستانی از هاشم شایق افندی در دسترس نیست، اما نوشته‌های روزنامه‌نگارانه او در مجله آیینۀ عرفان تا سال ۱۳۱۸ هجری خورشیدی نیز ادامه داشته است.

قسمتی از آغاز داستان کوتاه «پانزده سال قبل» را می‌خوانیم:  
«ابتدای بهار بود. صحن حویلی ما از برف زمستان در سینه خود  
یادگاری داشت. دم اُرسی نشسته همراه مادرم ناشتا می‌کردیم. یک‌بار  
بدون سبب آهی کشیده از جا برخاست، پس خانه رفت. صدای قفل  
صندوقچه‌اش شنیده شد. پس آمد، دستمال سفیدی [را] که یک گوشه آن  
گره داشت، به دستم داد و گفت: «بخیز، همراه نوکر از سر چوک به  
این پیسه هفت تا نان بگیرد و باقی را کشمش بخرد.»  
حیران شدم که امروز این قدر کشمش و نان را چه می‌کند. یک نان دو  
پیسه و یک چهارک کشمش دو تنگه بود.  
گفتم: «این قدر کشمش و نان را چه می‌کنی؟»  
گفت: «تو را پیش ملا سبق می‌مانم.»  
دق شدم که چه کرده‌ام؟ صورتم ترش و زرد شد.  
گفتم: «گناه من چیست؟»

تبسم کرد. دست به سرم نهاد. از پیشانی‌ام ماچ کرد، به طوری که از  
رایحه آغوش و گرمی لب‌هایش بوی تا حال بر مشام و ناصیه‌ام باقی  
است، بعد از آن گفت: «به سبق ماندن جزا که نیست. می‌خواهم ملا  
شوی.»

از این سخن به فکر افتادم. زود به یادم آمد، دو روز پیشتر دم دروازه  
بودم. دو نفر به دست‌شان کتاب از کوچه می‌گذشتند. با یکدیگر  
خوش‌خوش صحبت داشتند. به سر یکی لنگی سفید، چین سیاه ستره و  
پاک و پیزار در پا، دیگر لنگوته نباتی، چین کرباسی نسواری در سر  
و بر داشت، در پایش چه بود؟ فراموشم شده. در عقب این فکر دوباره  
خوش شدم که من هم لنگوته سفید و چین سیاه ستره و پیزار زری  
خواهم پوشید. آن قواره خوشم آمده بود. به مادر خود گفتم: «کو لنگی  
سفید و چین سیاه و پیزار زری.»

نویسنده مقاله هاشم شایق را به صفت یک نامه نگار و داستان نویس  
معرفی کرده و حال آنکه او دانشمندی انسیکلوپیدیست و متخصص  
پداگوژی و صاحب تحصیلات عالی در بین رشته و تاریخ و روانشناسی  
نیز بود و در طی دهسالی که مسئولیت نشر مجله «آیینۀ عرفان» را  
بدوش داشت، علاوه بر کتابها دهها مقاله علمی، ادبی، فلسفی و تربیوی

و نیز داستانهای کوتاه در مجله و مطبوعات افغانستان به نشر رسانده است. او برخی از آثار خود را با نام مستعار «مخلص زاده» و بعضاً «شریف» و «شریف مخلص زاده» نشر میکرده است.

این هم شعری میهنی از ملک الشعرا قاری عبدالله که در «آیینۀ عرفان» نشر شده است:

## وطن

ای به روی تو چشم ما	ای وطن ای فضای تو گلشن روشن
ای بهار هزار امیدم	ای وطن ای بهشت جاویدم
تا نمایی به انفس و آفاق	ای که بودی تو سالها مشتاق
سعی مردانه، همت پسران	دانش و قابلیت پسران
بهر این مقصدت به عزم	حاضر اینک شدیم بار نخست درست
میشود در تو ای وطن ظاهر	اثر قورل و فعل ما آخر

گردد از فیض ما جهان خرم

پیرو کار ما شود عالم

قاری عبدالله

.....

بدین ترتیب پس از تحصیل استقلال کشور به رهبری امیر امان الله خان، صد سال قبل از امروز نخستین مجله علمی، ادبی و اجتماعی در افغانستان به ابتکار و رهبری شادروان استاد هاشم شایق افندی به نام «آیینۀ عرفان» از طرف ریاست دار التالیف نشرگردید و تا 10 سال زیر نظارت مستقیم او مرکز پخش دانش و ادب شرق و غرب و کانون پخش اندیشه های علمی و دست آوردهای ادبی نوین بود. بعداً این مجله

به نام «عرفان» تا زمان آمدن طالبان به نشرات خود ادامه داد و من یکی از همکاران آن بودم.

من فقط توانستم کلکسیون سه سال اول این نشریه و زین را که توسط کتابخانه دیجیتال افغانستان نشر شده بود مرور نمایم. یقین دارم محققان جوان بقیه کلکسیونهای آنرا نیز مورد بررسی قرار داده، محتویات ارزشمند آنها را در خدمت هموطنان قرار خواهند داد.

مجله «آیینۀ عرفان» که به قول متفقانۀ تمام شاگردان دانشمند استاد شایق افندی چون پوهاند احمد جاوید، پروفیسوران علی محمد زهما، میر حسین شاه، رحیم الهام، شاه علی اکبر شهرستانی، دوکتور عبدالحکیم ضیایی، معصومه عصمتی وردک و سناتور ولی محمدخان، مرحله نوینی را در ساحة مطبوعات مملکت گشود، نقش ارزنده و ماندگاری را در انکشاف ژورنالیزم ونشر دانش و فرهنگ نوین در کشور عقیمانده ما بازی کرد.

روان استاد شادباد!